



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



جادوی قصه‌ها در هزار و یک‌شب به همراه نمونه داستان‌ها

تحقیق و بازخوانی
مسعود میری

جادوی قصه‌ها

در هزار و یکشب

به همراه نمونه داستان‌ها

تحقیق و بازخوانی از:

مسعود میری

اندیشه



موسسه‌ی انتشارات پویندها

سرشناسه: میری، مسعود، ۱۳۴۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: جادوی قصه‌ها در هزار و یکشب: به همراه نمونه داستان‌ها/مسعود میری.
 مشخصات نشر: مشهد: بوتیمار، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۶۴۲ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۱۰۵-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های ماوراءالنهری
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج ۲ م ۹/ GR۳۰۰
 رده بندی دیویی: ۳۹۸/۲۰۹۵۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۴۰۰۸۰

جادوی قصه‌ها

در هزار و یکشب

تحقیق و بازخوانی: مسعود میری
 مدیر امور هنری: رضا حیرانی
 جلد: بر اساس نسخه روسی هزار و یکشب
 ناظر کیفی: حسین فاضلی، داریوش معمار
 صفحه آرا: امیرحسین ذوالقدر
 ناشر: انتشارات بوتیمار
 امور چاپ: کسری
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۱۰۵-۸

دفتر انتشارات:

مشهد، صندوق پستی ۹۱۳۷۵-۱۵۵۳
 تلفن: ۰۵۱۳-۸۴۵۰۶۴۹
 تهران، خیابان کارگر شمالی
 نرسیده به بلوار کشاورز،
 بن‌بست گیتی، پلاک ۶
 تلفن: ۶۶۹۰۰۷۴۸



موسسه‌ی انتشارات بوتیمار



btmpub@gmail.com

instagram.com/btmpub

همراه: ۰۹۱۵۸۵۷۸۳۷۸ - ۰۹۱۶۷۸۳۱۲۶۸

حق چاپ محفوظ است

فهرست

کتاب اول

دفتر اول	۱۳
مقدمه دفتر اول	۱۷
بخش اول شش قصه کوتاه از نویسندگان نامعلوم ماوراء النهر	۲۵
عادل شاه و فرزندش فیروز شاه	۲۷
صالح خشت‌ریز و هارون‌الرشید	۵۱
حکایت مرد سخی و زن بخیل	۶۳
پیر خارکش و دو پسرش	۷۲
عادل خان و سه درویش	۸۹
حکایت ملا شکور کاشغری در بخارای شریف در مدرسه حضرت	
میرعرب	۱۳۰
دفتر دوم	۱۴۳
مقدمه	۱۴۵
تمهیدات	۱۵۱
داستان‌های عشقی و اخلاقی	۱۷۲
پریشانی‌های بغدادی در قصه‌های هزارویک شبی	۱۸۳
جادوی قصه در قصه	۲۰۰
اروتیسم در قصه	۲۵۶
نتیجه	۲۹۶

پیوست‌ها:	۳۰۰
پیوست شماره ۲	۳۱۵
منابع کتاب اول	۳۲۲

کتاب دوم

مقدمه	۳۴۱
مدخل	۳۵۱
۱. داستان داستان	۳۵۳
۲. دایناسورها هم فکر می‌کنند	۳۵۹
۳. قصه در قصه	۳۶۶
۴. رمز داستان	۳۷۱
۵. زن... مرد!	۳۷۹
۶. شهرزاد ماکیاوِلیست	۳۸۵
۷. کتاب همه چیز	۳۹۳
۸. از لکه‌های متن	۴۰۳
۹. ای نین یا شهرزاد؟	۴۱۰
۱۰. تقریر درد یا جبران حذف	۴۲۰
حاشیه	۴۲۷
زمینه	۴۲۹
داستان زبان	۴۴۳
خیال، تخیل و یوتوپای آن	۴۵۱
دنیای تخیل در هزارویک شب	۴۵۸

۴۶۵		بازگونه‌ها
۴۸۱		شرک: بازگونی و کثریختی
۴۹۲		قصه، نسیان یا ذکر!
۴۹۸		حیوان شدن قصه‌های هزار و یک شبی
۵۱۲		سایه‌ها، بازگونه‌سازهای غول‌آسا
۵۲۹		جادو
۵۴۱		بلا‌هت
۵۶۴		مهم‌ها - بیهودگی
۵۷۷		خرده‌ریزهای سرشت‌نما
۵۹۴		عشق
۶۰۶		مغاره‌های خورشید سیاه
۶۲۴		مسافر آن سوی سپیده‌دم و گنگ

کتاب اول
نقل و تفسیر شش قصه کوتاه
از نویسندگان نامعلوم ماوراءالنهر

دفتر اول

شش قصه از نسخ خطی گنجینه انستیتو شرق شناسی و
نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان

مقدمه دفتر اوّل

این سخن به درستی گفته شده است که انسان با "روایت" و "قصه" اندیشیدن را آغازیده است. گرچه آدمی برای شنیدن و گفتن قصه، هزاران سال خود را در پهنه زمین آزموده، اما آنچه قصه‌ها را از امری معمولی و ساده به موضوعی جذاب و قابل مطالعه تبدیل کرده، حالت روایی و قصه‌وار (narrative) نوع اندیشیدن اوست. می‌توان بارها و بارها به نقّالان و قصه‌گویان دل سپرد و از شنیدن داستان‌ها و حکایه‌ها لذت برد و حتی یکبار هم به چگونگی نقل حکایت، خط روایت و نتیجه آن فکر نکرد، ولی قصه و حکایت تأثیر دائمی و مستمر خود را بر شنونده و گوینده خواهد گذاشت. اغلب ما مردم، زندگی خود را در داستانها بازجست می‌کنیم، در آن تحلیل می‌کنیم و در نهایت با نقل پاره‌هایی از آن حکایت‌ها، آزموده‌های زندگی‌مان را به فرزندان‌مان یا شنوندگان قصه انتقال می‌دهیم. زبان نیز به‌عنوان عاملی مهم در استمرار روند زندگی، در انتقال هوشیاری و دانایی بشر، هم به‌عنوان واسطه میان انسان و جهان، انسان و انسان و هم به‌عنوان ناقل شادمانی و رنج او به هم‌نسلان و نسل‌های آینده، به درستی عامل، قابل و بازیگر نقش اساسی در حضور "فهم" و "ادراک" در سپهر بودن ما داشته و دارد. زبان نیز

بدون حالتِ قصّه‌وار (narrative) خود، تواناییِ کافی در گسترش و ژرف شدن خود نداشته است و همین حالتِ قصّه‌گون است که به ما فرصت تولید "خیال" و "حافظه" را داده است. ما به قصّه‌ها از آن جهت رجوع نمی‌کنیم که فقط وجهِ التذاذی آن را درک و فهم کنیم، بلکه قصّه‌ها را به‌عنوان صورتی از ادامهٔ حیات و زندگی بر روی کرهٔ زمین بازخوانی و بازشناسی می‌کنیم.

در رسالهٔ حاضر با قصّه‌هایی ساده و متعارف روبرو هستیم. این سخن بسیار فریبنده و ساده‌لوحانه است، ولی باید گفت سادگی این قصّه‌ها به عمیق‌ترین شکل قضیه ما را به فرهنگ و تفکر پیوند می‌زند.

سالهاست که اندیشه‌مندان و پژوهندگان ما به میدان باز و پُر حاصلی به اسم دانش‌عوام یا فولکلور رجوع می‌نمایند و از طریق این همت ارجمند و شایانِ نظر، به حوصله و دانش ملت‌ها افزوده‌اند. از آنجا که طی این سال‌های نه‌چندان طولانی، جز گردآوری و حفظ میراث فارسی‌گویان دری‌زبان، فرصت ورود به عرصه و میدان تحلیل قصّه‌ها فراهم نیامد، آثار فرهنگی و فکرآفرین آنها نادیده و ناشنیده ماند. در میان آثاری که دربارهٔ قصّه‌های دری‌زبانان و تاجیکان و ایرانیان به‌چشم می‌آید، بلااستثناء باید به غریبان و اروپاییان نظر دوخت. زیرا آنان جز آنکه به حفظ قصّه‌ها بیندیشند به احساس، عواطف، اندیشه‌ها، ساختارها و سبک‌های نهفته در قصّه‌ها نیز اندیشیده‌اند. به‌نظر می‌رسد اکنون به‌قدر کافی آثار گردآوری شدهٔ قصّه‌ها و حکایت‌های عامیانه و مردمی در دسترس محققان باشد. برای آنکه در روال شناخت و خوانشِ قصّه‌ها ما نیز به‌اندازهٔ توانمان کاری کرده باشیم، به پاره‌ای از قصّه‌ها به شکل سنتی و قدیم آن رجوع نمودیم، قصّه‌های این دفتر از میان حداقل چهل قصّه نهایی برگزیده شد، تا زمینه پژوهش فراهم گردد. در ادامهٔ حرکت پژوهنده، مطالعهٔ متفاوت و به دور از شیوه‌های معمول و متعارف، که کاری ارزشمند اما ناکافی و نابسنده (به گمانِ راقم این نوشته‌ها) بود، دفتر دوم را به تحلیل ساختاری، معنایی و هرمنوتیکی شش قصّه اختصاص دادیم. باید گفت که این شیوه را از استاد ایرانشناسی، آرتور امانوئل کریستین سن از

کتاب افسانه‌های ایرانیان (با ترجمه امیرحسین اکبری شالچی) اخذ کرده‌ایم، در آغاز قصه‌ها را به نحوی که هست، عرضه و ارائه نموده و در پسگفتار، رسال‌های دیگر در تحلیل کلی قصه‌ها ساخته و آفریده است. در پژوهش جاری نیز دفتر اول جز متن قصه‌ها و همچنین پانوشتهایی برای سهل‌تر شدن خوانش، چیزی به متن نیفزوده‌ایم. در دفتر دوم به روشی که می‌توان آن را علمی نامید، رجوع کرده‌ایم که براساس آن، خوانش متون با تکیه بر دو رابطه بیرونی و رابطه درونی نشانه‌ها به گستره و میدان تحلیل فراخوانده می‌شوند. به بیان دیگر هر متن (Context) در عین حال که می‌تواند و می‌باید به متنی اجتماعی (Social Context) تبدیل شود، لازم است از منظر و روزنه‌ای اساسی‌تر هم مورد کاوش و بررسی قرار گیرد و آن موقعیتی است که متن در خود و در درون خود دارد. متن از این بابت یک موضوع درهم تنیده معناشناسانه (Intertext) نیز هست. در بررسی ناکافی و مقدماتی دفتر دوم ما از زبان به نشانه‌ها و از نشانه‌ها به گفتمان (Discourse) می‌رسیم. گفتمان مجموعه‌ای از فضاها و سپهرهای آیینی (Doctrines)، الگویی (Paradiym)، شناختی (Knowledge) و کارکردی (Performance) را از مضمون (Content) و موضوع (Text) فرهنگ استخراج می‌کند و زمان و حوصله کافی را در اختیار ما قرار می‌دهد، تا ناشناخته‌های بطن فرهنگی خویش را شناسایی کنیم. به همین دلیل دفتر اول واجد اهمیت گردیده است و خواننده باید با دقت کافی آن را بخواند تا در رساله دوم، تحلیل دوگانه استنباطی (understanding) و استنتاجی (Inferred) ما را به فهم جامعه گفتمانی (Community of Discourse) راهنمایی نماید و بتوان از دامنه گفتگوها و مباحثه‌های آن، راهی تازه در پژوهش را بازشناسی کرد. در رساله اول ما جز آنکه به وجه زبان (یعنی روایت و سخن که همانا شکل‌های طبیعی زبان را نمایان می‌سازند) توجه کنیم، کاری دیگر نکرده‌ایم. توضیحات پانوشته‌ها برای حل مشکلی متن به کار گرفته شده است و در دفتر دوم، ما به ژانر (مقوله ادبی Text) از پیوستگی‌های درونی و بیرونی، به‌طور هم‌کنش و

هم‌سطح نگریده‌ایم، هرچند در نهایت کوشیده‌ایم در کل آثار، یک دستگاه فکری (mindset) مردم دری - تاجیکی - فارسی‌زبان را (گرچه نامحسوس و پوشیده) در معرض تماشای خوانندگان قرار دهیم.

پژوهنده این اثر به‌قدر مختصر به پاره‌ای از اختلاف‌نظرها و تفاوت اندیشه‌ها واقف است. هنوز در میان اهل گردآوری و تدوین قصه‌های مردمی، در تعریف و احصاء حدود داستان و حکایت و قصه و روایت، بحث‌ها پابرجاست. به‌گمان بسیاری، باید قصه و داستان و حکایت و... را در تعریف‌ها معین و مشخص ساخت، درحالی‌که می‌بایست این تعریف‌ها به تفصیل و تأویل و استنباط برسد، اکنون چنین حاصلی در دسترس نیست. اگر عرب در حدود و ثغور نقل روایت‌هایش میان «روایت می‌کند»، «مشهور است»، «آورده‌اند که» تفاوت قائل است، به‌راستی نوع نگاه مذهبی و آیینی را پشتوانه دارد. درحالی‌که اگر در دیر زمان، مفهوم قصه در قرآن به‌معنای خاص و آیینی خود، نوعی «پی‌گیری» و جستجوی روایت تا سرانجام را معنی می‌داد، هنوز نیم قرن از ظهور اسلام نگذشته بود که پس از عثمان، قصه‌گویی (نه چنانکه در قرآن مضبوط است) به وجهی که با سرگرمی و لذت توأم باشد، رواجی درخشان یافت، آنگونه که کم‌کم دوره درخشان عباسیان پدید می‌آید و داستانهای هندی، ایرانی، عربی هزارویک‌شب خورشیدی می‌شود بر آسمان فرهنگ ملت‌ها. آیا کاربرد «قصه» اکنون از خاص بودن در مذهب و متن مقدس به شمولیت روایی خود نائل نیامده است؟ باید پژوهندگان ژرف‌کاو ما از پاره‌پاره کردن تعاریف، به‌نوعی انسجام در پژوهش و کشف و شهودهای تازه‌یابی برسند و گرنه تمامی این تلاش‌ها بی‌فرجام خواهد ماند.

نکته‌ای مهم‌تر نیز در میانه باقی است. صادق هدایت، داستان‌نویس بزرگ ایرانی و یکی از آغازگران پژوهش‌های فولکلوریک، از زبان بلدریف می‌گوید: فولکلور تاجیک را می‌توان در در ردیف فولکلور ایران به‌شمار آورد (نوشته‌های پراکنده: ص ۴۵۴). اما رخدادهای تاریخی و گرایش‌های مذهبی موجب تفرقه و جدایی دری‌زبانان از فارس‌زبانان گردیده است.

چنین است که اکنون باشندگان یک زبان معیار، لهجه‌های متفاوت خود را گرفته‌اند و در تفرقه‌های آیینی و جغرافیایی خود، زبان و فرهنگ مشترک را به فراموشی سپرده‌اند. اگر زبان عرب یا انگلیسی چنین در عالم گسترش یافته، ناشی از آن است که مشترکات را تعمیق بخشیده‌اند و افتراقات را به مدد رسانی و رونق‌بخشی شبستان فرهنگ فراخوانده‌اند. مگر حافظ و سعدی همانند مردم کوچه و بازار می‌نوشته‌اند؟ مسلماً نه! چنانکه استاد پرویز ناتل خانلری در هفتاد سخن (جلد اول: ص ۳۷۱) اشاره دارد:

«زبانی که در قرن هفتم هجری در کوی و بازار شیراز میان عموم رواج داشته همان نیست که سعدی در گلستان و بوستان و آن غزل‌های شیرینی به‌کار برده است. نمونه آن زبان بیتی است در گلستان و چند مصراع و یکی از ملامعات سعدی. حافظ، هزارستان فارس هم در خانه و بازار با همشهریان خود به زبان شیرازی گفتگو می‌کرده و حتی «گلبنانگ پهلوی» را در شیرینی و زیبایی چون نغمه بلب می‌شنیده است. اما او در زبان ادبی استاد است و فخری می‌کند که از شعر دلکشش کسی آگاه می‌تواند باشد که «سخن‌گفتن دری» بداند.»

این تفاوت‌های منطقه‌ای زبان‌هاست که به زبان معیار ملت‌های بزرگ توان و برنایی می‌بخشد، هیچ ملتی از کوچک بودن و کم‌جمعیت بودن خود سود و بهره‌ای نبرده است، از این‌رو دری‌زبانان، تاجیکان و فارسان باید بیاموزند که تفاوت‌های منطقه‌ای، فرصتی برای گسترش فرهنگ است و لاغیر. ییری سیپک به‌خوبی و درستی می‌گوید:

«یکی از دلایل اساسی واقعی جدایی ایرانیان به دو دسته فارسیان در غرب و تاجیکان در شرق، اختلافات مذهبی است. از روزگاران گذشته، ایران مرکز تشیع بوده است، اما تسنن در مناطق اطراف آمودریا سکونت داشته‌اند.

می‌توان درک کرد که این جدایی به یک‌باره رخ نداده است، بلکه پیامد نوعی تکامل آرام زبانی است که پس از تکامل فرهنگی هر دو منطقه پدیدار شده است. جلوه این تأثیرات را در روزگار جدید بیشتر می‌توان مشاهده

کرد. چراکه با شکل‌گیری زبان نوشتاریِ تاجیکی، بازگشت به منبع اولیه و طبیعی آن یعنی زبان محاوره‌ای و گویش‌های زیربنایی امکان‌پذیر شد. تفاوت‌های زبان فارسی امروزی با زبان تاجیکی بی‌شبهت به تفاوت‌های زبان آلمانی معیار و گویش‌های محلی زبان آلمانی نیست" (ادبیات فولکلور ایران: سروش، ص ۷۹۸)

شاید به همین دلیل، جمع دیدن و در یک دستگاه فکری (mindset) نگریستن فولکلور ایرانیان شرقی و غربی را در عین قبول دوگانگی (Dichotomy)، ضروری و لازم بدانیم، تا بتواند در کلان‌فرهنگ هم‌زمان به تعبیرهای تازه‌ای دست یازید و در جهان امروز جایگاه شایسته و بایسته‌ای به چنگ آورد، زیرا همانگونه که هایدگر می‌گوید: "زبان خانه هستی است"، هستی‌مند شدن را، نیاز به الفت‌ها و پیوندهای عمیق و واقعی است.

قصه‌های دفتر اول از بیاض‌های مردم ماوراءالنهر برگزیده شده است. این قصه‌ها در دوره‌ای به نگارش درآمده است که تأثیر فرهنگ و زبان ازبکی و ترکی را در آن به‌وفور می‌توان شناسایی کرد. اغلب قصه‌ها متأخراند و به‌همین یکصد و پنجاه ساله اخیر وابسته‌اند. اغلاط صرفی، نحوی و واژگانی، تصحیف‌های فاحش و تکیه بر شفاهیات کاتب، متن‌ها را دشوارخوان کرده است، اما هر قصه با وجود آنکه دارای روایت‌های همانند و مشابه در داستانهای مکتوب و شفاهی مکتوب شده می‌باشد، با این همه از ارزش بالایی برخوردار است. تفاوت‌های لحنی و لهجه‌ای را به‌هیچ‌وجه به‌عنوان تصحیف و غلط به‌شمار نیاورده‌ایم و آنچه در این قصه‌ها بروز و ظهور درخشانی دارد، نمایش فرهنگ زمانی و دوره‌ای مردم این سامان است.

امید می‌رود که این گام ناچیز و کوچک، فرصتی برای پیوند جغرافیای فرهنگی ما در سپهر فرهنگ مشترک تلقی گردد. در اینجا از یکایک بزرگواران انستیتو شرق‌شناسی و نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان کمال امتنان را دارم، که فرصت برخورداری از میراث و گنجینه خود را برای این

کوچک فراهم ساختند، و اینجانب را سالهاست به افتخار کارمند علمی انستیتو مفتخر ساخته‌اند. این مجلد، از مجلدات چهارگانه مطالعات هزارو یک شبی است که در اکادمی تاجیکستان محاکمه (دفاع) اول آن انجام شد و ترجمه روسی آن نیز در صورت فراهم آمدن امکان نشر در آن کشور زیبا و جان افزا به زودی سرانجامی خواهد یافت. در این وهله از همدلی دوستانم استاد دکتر شادی محمدصوفی‌زاده، دکتر رستم شادیف، مبشر اکبرزاد سپاس دارم و اگر لطف آنان نبود، این دفتر هم میسر به عرضه نمی‌شد. از دوستان صمیم، حامد جبارزاده، سیامک یعقوبی و مرتضی بخشایش که در دستیارِ مطالعات و تصحیح و بازخوانی قبول زحمت کردند، سپاسگزارم. از سرکارخانم اعظم هاشمی نیز از صمیم قلب قدرشناس‌ام که با قبول مسئولیت این پژوهش‌ها پیجوی همه این فعالیت‌ها بوده‌اند و اگر تلاش او نبود نیز، همه کار پژوهش‌های متن‌شناسی این سالیان به نتیجه نمی‌رسید. همین‌جا از دوستان شاعرم رضا حیرانی، داریوش معمار و حسین فاضلی سپاس دارم. خاصه اگر همت رضا نبود نشر این کارها به تعویل ایام و تاخیر اوقات می‌انجامید.

نگارش ۱۳۸۹، بازبینی ۱۳۹۳